

بررسی زمینه‌های پیدایش مسجد جهان‌نمای دهلی

فرهاد نظری^{۱*}، ذات‌الله نیک‌زاد^۲

^۱ دانشجوی دکتری مرمت، دانشکده حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان
^۲ کارشناس ارشد پژوهشگاه میراث فرهنگی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

چکیده

مسجد جامع جهان‌نما در سده یازدهم هجری و پس از بنای دهلی نو (شاه‌جهان‌آباد) به دستور شاه‌جهان ساخته شد. در آن زمان دهلی مساجد جامع دیگری نیز داشت. در کتیبه این مسجد گفته شده این مسجد هم‌زمان با ساخت شهر شاه‌جهان‌آباد (دهلی امروز) در زمان حکومت بابر بن و به دستور شاه‌جهان ساخته شد. این مقاله با هدف شناساندن مسجد، جست‌وجوی بستر تاریخی و فرهنگی آن به تحریر درآمده است؛ بستری که ارتباط فرهنگی ایران و هند را بیان می‌کند. تحقیق با روش توصیفی تاریخی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی انجام شده است. این بنا از بزرگ‌ترین مساجد جهان اسلام و شبه قاره است. پیش از مسجد جامع جهان‌نما، دهلی سه مسجد جامع دیگر به نام‌های قبه الاسلام در قرن هفتم هجری، جامع فیروز شاهی در قرن هشتم هجری و پورنا در قرن نهم هجری داشت تا این که شاه‌جهان در قرن یازدهم هجری مسجد عظیم جهان‌نما را وسیع‌تر از مساجد پیشین بنا کرد و تاکنون مسجد جامع دهلی باقی مانده است. مسجد جامع جهان‌نما، با صحن وسیع و سردرهای رفیع و مناره‌های بلند، محصول قرن‌ها تجربه مسجدسازی در شبه قاره است. سبک و شیوه این مسجد تلفیقی از معماری سنگی هند و معماری ایران دوره اسلامی است. در ساخت آن برای نخستین بار از سنگ مرمر استفاده شده است. در حالی که پیش از این، مساجد، مقابر و کاخ‌های هند را با سنگ سرخ می‌ساختند. این مسجد چند کتیبه دارد؛ بلندترین آن‌ها کتیبه‌ای بر پیشانی شبستان قبله است که به خط ثلث و زبان فارسی است. متن آن هم‌چون ادبیات آن دوره مصنوع و سرشار از استعارات و تعبیرات شاعرانه است. نکته مهم این که در این دوره کتیبه در اکثر مساجد ایران به زبان عربی است. به نظر می‌رسد احداث شهر جدید جهان‌نما و مسجد جامع آن در جوار دهلی کهنه متأثر از تجارب شهرسازی ایران در زمان صفویه باشد. توسعه شهر قزوین و اصفهان و مساجد شاه این دو شهر نمونه‌هایی بارز هستند. مهاجرت هنرمندان و معماران ایرانی در این زمان به هند را نیز می‌توان تأکیدی بر این مدعا برشمرد.

واژگان کلیدی: جامع جهان‌نما، دهلی، شاه‌جهان، مساجد شاه، کتیبه‌های مسجد.

ورود اسلام به شبه قاره هند اواخر سده چهارم، هم‌زمان با زمامداری سلطان محمود غزنوی (۳۶۰ - ۴۲۱ ق/ ۹۷۱ - ۱۰۳۰ م)، بود. سلطان محمود از ۳۹۳ ق. به قصد نشر اسلام، پیاپی به شمال هند حمله و آن‌جا را تصرف کرد و غنایم فراوان برد و بت‌خانه‌ها را ویران ساخت و اسلام را در آن دیار آشکار کرد و «بسیار کافران به اسلام آمدند». به امر او در هند مسجدهای جامع ساختند و «استادان را فرمود تا به هر جای بفرستادند تا مر هندوان را شرایط اسلام بیاموختند» (گردیزی، ۱۳۴۷: ۱۸۱ و ۱۷۷-۱۸۶). تا پیش از ورود غزنویان (۳۴۴ ق/ ۵۸۳ - ۹۷۵ م/ ۱۱۸۷ م) به هند، تأثیر فرهنگ اسلامی در آن‌جا برجسته و مشهود نیست. با ورود آنان بود که شالوده فرهنگ اسلامی ریخته شد (سلطانیان، ۱۳۸۳: ۹۸). پس از سلطان محمود، سلسله‌هایی از حاکمان مسلمان روی کار آمدند. بیش‌تر آنان به فارسی سخن می‌گفتند و به نشر فرهنگ ایرانی همت گماشتند.

بائریان (۹۳۲-۱۲۷۴ ق/ ۱۵۲۶-۱۸۵۷ م) از برجسته‌ترین و قدرت‌مندترین این سلسله‌ها بود. آنان از اخلاف ظهیرالدین باهر بودند که بیش از سه قرن بر شبه قاره فرمان راندند. آنان در بیش‌تر مدت حکومت‌شان هم‌عصر صفویان (۱۱۳۵-۱۷۲۲ ق/ ۱۵۰۱ م) بودند. در زمان آنان، هنر و ادبیات رونق گرفت و سرزمین هندوستان آباد شد. نسب بابریان به مغولان می‌رسید و به فارسی گفت‌وگو می‌کردند و از سخن‌گویان فارسی حمایت می‌کردند. هند در دوره آنان گاه با ایران مراد و دوستی داشت و گاه رقابت و ستیز. پس از مرگ باهر، شیرشاه افغان سوری با پادشاهی همایون مخالفت و از اطاعت او سرپیچی کرد و برجایش تکیه زد. از آن‌جا که این سلسله با حمایت صفویان برآمدند، همایون به شاه تهماسب صفوی پناه آورد و مدتی در مجالست وی به سر برد. شاه تهماسب «سپاهی فراوان از کرمان و خراسان و سجستان در رکاب نصرت‌انتساب همایون پادشاه» به سوی هند روان گردانید و به یاری سرداران و سپاه ایران، همایون دوباره بر تخت سلطنت هندوستان تکیه زد (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۴۸۵-۵۰۰). گاهی میان حکومت‌های صفوی و بابرلی اختلاف بود. مثلاً وقتی همایون به یاری شاه تهماسب به حکومت دست یافت، قندهار را به ایران واگذار کرد، اما پس از مدتی این شهر به هند الحاق شد. شاه عباس دوم در نامه‌ای از شاه جهان خواست تا وی را چون فرزندش بداند و «خرابه قندهار» را به او تفویض کند (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۰۲). قندهار در جنگ‌های بین ایران و هند بارها دست‌به‌دست شد. صرف‌نظر از این اختلاف‌ها، در این دوره، ارباب ذوق و هنر، رفتن به هند را بر ماندن در وطن ترجیح دادند. سخت‌گیری‌های دولت ایران و فقیهان هم‌رأی و هم‌دست آن وضع را بر هنرمندان سخت کرده بود. در ضمن، هنرپروری دربار شاهان و «ثروت بی‌پایان هند و اقتضای آب و هوا که به استراحت و صحبت می‌کشد» شهسواران شیرین‌کار هنر ایران را به هجرت برانگیخت (بهار، ۱۳۸۶، ج ۳: ۲۵۶).

نوازش‌های کریمانه شاهان بابرلی و امیران‌شان - که اغلب ایرانی بودند - به اهل هنر و ادب ایران‌زمین و اشتیاق و حمایت آنان از

شاه جهان در ۱۰۴۸ ق در نزدیک دهلی شهری به نام شاه جهان آباد بنا کرد و مسجد جامعی به نام جهان‌نما ساخت. مسجد جامع جهان‌نما یا جامع دهلی از بزرگ‌ترین مساجد جهان اسلام و اعظم مساجد شبه قاره است. بنا به مفاد کتیبه آن، ساخت مسجد در ۱۰۶۰ ق آغاز و در ۱۰۶۶ ق به انجام رسید. دهلی تا هنگام بنای جامع جهان‌نما دست کم سه مسجد جامع دیگر داشت^۱. هندوستان در دوره بائریان (گورکانیان هند) مقصد بسیاری از هنرمندان و ادیبان و صنعت‌گران ایرانی بود. پدیدآمدن سبک هندی در شعر فارسی مؤید این مطلب است. در حوزه‌های دیگر فرهنگ و تمدن هند و ایران نیز شواهدی در این باره می‌توان یافت؛ معماری و شهرسازی از آن جمله است. به نظر می‌رسد که احداث شهر جدید شاه جهان آباد و بنای جامع جهان‌نما متأثر از اقدامات عمرانی پادشاهان صفوی باشد. برای اثبات این فرضیه از مظاهر متنوع فرهنگ و هنر مدد گرفته و مصادیق معماری آن را در مسجد جامع جهان‌نما نمایانده‌ایم. مطالعه مسجد جامع جهان‌نما و زمینه‌های ساخت آن ابعاد دیگری از تعامل تاریخی ایران و هند را می‌نمایند. هدف مقاله نیز پرداختن به چرایی ساخت مسجد جامع جهان‌نما و بررسی زمینه‌های پیدایش آن است.^۱

بیان مسأله

شاه جهان پادشاه گورکانی هند شهری موسوم به شاه جهان آباد در کنار دهلی پی افکند و مسجد جامعی در آن بنا کرد. این مسجد در حالی بر پا شد که در دهلی مساجد جامع دیگری هم بود. به نظر می‌رسد الگوی این اقدام شاه جهان مسجدسازی پادشاهان صفوی بوده است. میان ایران و هند از گذشته تا آن زمان روابط فرهنگی و تاریخی برقرار بود و گاهی این روابط به تیرگی و سستی هم می‌گرایید. البته این روابط در دوره گورکانیان (معاصر صفویان) دوستانه و نزدیک بود. مسأله این است که بنای مسجد جامع جهان‌نما تا چه حد متأثر از رفتار (در تقلید یا در رقابت) پادشاهان صفوی است جامع جهان‌نما به سبک و سیاق مساجد شبه قاره بنا شده اما موضوع این مقاله مقایسه مساجد ایران و هند در آن زمان از دیدگاه معماری نیست، بلکه از باب رفتار احتمالی مشابه در مسجدسازی آن دوره است.

پرسش‌های تحقیق

۱. با وجود مساجد جامع در دهلی، چرا شاه جهان به ساخت مسجد جهان‌نما دست زد؟
۲. آیا میان مسجد جامع جهان‌نمای دهلی و مساجد هم‌دوره‌اش در ایران رابطه‌ای وجود دارد؟

روش تحقیق

این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است؛ برای این منظور ضمن رجوع به اطلاعات تاریخی موجود و مطالعات کتابخانه‌ای، از روش مشاهده میدانی نیز بهره گرفته شده است.

لاهور و اکبرآباد در دوره سلطنت دودمان باثری، مقر حکومت بود. شاه‌جهان در سال دوازدهم سلطنتش پایتختی جدید پی افکند. سبب تغییر پایتخت این بود که مبادی و درون اکبرآباد «شکست و آب‌کند و نشیب و فراز بسیار» پدید آمد و شهر ناموار شد و از سوی دارالسلطنه لاهور نیز بر اساس نقشه جامع و یک‌باره شکل گرفت و بنای آن رفته‌رفته بنیاد یافت و دروازه‌های هر دو شهر «کم‌فضا و تنگ‌ساحت» بود (کنبو، ۱۹۷۲، ج ۳: ۱۹-۲۰).

شاه‌جهان در ۱۰۴۸ق. در ظاهر دارالملک دهلی بنیاد شهری به نام «شاه‌جهان‌آباد» آغاز کرد که مشتمل بر حصار و قلعه و «عمارات بدیع و نشیمن‌های وسیع» و مسجد جامعی موسوم به «جهان‌نما» بود. شاه‌جهان بر بنای دهلی نظارت می‌کرد، چنان‌که در عمل صالح آمده وی در ۱۰۵۲ق. از قلعه و عمارت ناتمام شاه‌جهان‌آباد دیدن کرد و «تصرفات تازه که به خاطر دوربین رسیده بود به مکرم‌خان صوبه‌دار و کارفرمای این عمارت ارشاد فرمودند» (پیشین، ج ۲: ۲۱۳).

دهلی پیش از مسجد جهان‌نما - که موضوع این مقاله است - چند مسجد جامع دیگر داشته است؛ از این رو، ابتدا با آن‌ها آشنا می‌شویم که هر یک در زمان خود، جامع دهلی بوده‌اند.

قبه الاسلام: قبه الاسلام یا قوه الاسلام جامع عتیق دهلی، مسجد معظم و معتبری مشتمل بر چندین صحن و شبستان بوده است. قبه الاسلام را در محل معبدی ساخته‌اند. در ساختمان مسجد، سنگ‌های معبد را به کار برده‌اند. از این رو بر بسیاری از سنگ‌ها نقش صورت خدایان هند حک شده است. امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵ق) در قران السعدین مثنوی‌ای در «صفت مسجد جامع» سروده است.^۷ مسجدی که او وصف کرده به مسجد جهان‌نما شباهت بسیار دارد. امیر خسرو مثنوی دیگری در «صفت مناره [جامع عتیق] که ز رفعت سنگش از پی خنجر خورشید شده سنگ‌افشان» دارد. ظاهراً مسجد موصوف امیر خسرو همان قبه الاسلام است. حدود یک قرن پس از امیر خسرو ابن بطوطه این مسجد را دیده است.^۸ (ابن بطوطه، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۲-۴۴).

مسجد قوه الاسلام منار بلندی دارد که آن را به طرز مناره جام ساخته‌اند. بانی آن قطب‌الدین ایک بود و به همین مناسبت به منار قطب معروف است. در صحن دیگر مسجد بقایای مناری عظیم‌تر موجود است که ناتمام مانده بود. این مسجد کهن، امروز محل نمازگزاردن نیست.

جامع فیروزشاهی: در تاریخ فرشته و تاریخ فتوحات فیروز شاهی از مسجدی سنگی نام برده شده که فیروز شاه تغلق آن را در ۷۷۵ق. بنا کرده بود. این مسجد در آن روزگار، جامع دهلی بود (حکمت، ۱۳۳۷: ۳۰).

جامع پورانا قلعه: شیرشاه افغان سوری که علم مخالفت با همایون ابن ظهیرالدین بابر برافراشت و مدتی بر اورنگ پادشاهی هند تکیه کرد در ۹۴۸ق. به مناسبت آغاز سلطنتش در قلعه کهنه (پورانا قلعه) دهلی مسجد زیبایی ساخت. مؤلف اکبرنامه این مسجد را جامع دهلی خوانده است (پیشین: ۳۱).

زبان فارسی منجر به پدیدآمدن سبک هندی در ادبیات و رونق و شکفتگی هنرهای دیگر شد (پیشین، ۲۸۹-۲۹۰).^۲ زبان فارسی در دربار هند مقام و منزلتی بیش از دربار صفویه یافته بود. وقتی در ایران، شاه و خاصگان صفوی به ترکی تکلم می‌کردند، زبان علم و ادب در دهلی، فارسی بود. وقتی کتابت عمارت‌ها و مسجدهای اصفهان را به عربی می‌نوشتند، در هند عمارت‌ها و کاخ‌ها را به کتابت فارسی مزین می‌کردند.

شاعران و ادیبانی که از آغاز عهد شاه اسماعیل اول (۹۰۷ق/۱۴۸۷-۱۵۲۴م) تا پایان کار شاه سلطان حسین صفوی (حک ۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ق/۱۶۹۴-۱۷۲۲م) ایران را به قصد هندوستان ترک کرده بودند، ۷۴۵ نفر بودند. از این تعداد، ۹ نفر در زمان ظهیرالدین بابر (۸۸۸ - ۹۳۷ق/۱۴۸۳-۱۵۳۰م) ۳۳ نفر در زمان همایون (۱۵۰۸-۱۵۵۶م)، و ۲۵۹ نفر در دوران طلایی جلال‌الدین اکبر شاه (۱۵۴۲-۱۶۰۵م) در آن سرزمین رحل اقامت افکنده‌اند (گلچین معانی، ۱۳۷۷، ج ۱: چهار و پنج).^۴ در دوره سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۲۱-۱۰۴۵ق)، مقارن اواخر سلطنت شاه‌جهان، بسیاری از شاعران ایرانی به هند کوچ کرده یا دست کم سفری به آن‌جا داشته‌اند؛ هم‌چون میربرهان ابرقویی، میرسیدعلی صیدی، ملارشادی، آقامان زرکش، میرزامحمد همدانی، مولانا محمدحسین متخلص به آشوب، شاه صالح‌ای اصفهانی (شاملو، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۴ و ۷۵-۸۹-۹۱ و ۹۷، ۹۸ و ۱۲۳ و ۱۳۹ و ۱۴۲). توفیق سبحانی پس از بررسی منابع تاریخی سلطنت ۳۱ ساله شاه‌جهان، به ۳۸ عنوان کتاب تاریخ به نثر فارسی دست یافت که از میان آن‌ها ۱۳ عنوان به طور مستقیم به پادشاهی شاه‌جهان مربوط می‌شوند. در میان آن‌ها پادشاه‌نامه محمدامین قزوینی با نام شاه‌جهان‌نامه یا تاریخ ده ساله شاه‌جهانی، که در ۱۰۴۷ق تألیف شده، از اعتبار بیش‌تری برخوردار است (سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

علاوه بر شاعران و مورخان و مشایخ صوفیه، افراد دیگری از طبقات و اصناف مردم هم به هند کوچ کردند که بسیاری از آنان در کار معماری دست داشتند. اسناد گوناگونی برای بررسی این موضوع در دست است. فی‌المثل در دوره پادشاهی شاه‌جهان، در شهر سورت گجرات، کاروان‌سراییی بوده که سنگ کتیبه‌اش در موزه شاهزاده ولز (Prince of Wales Museum) نگهداری می‌شود. این کتیبه به زبان فارسی و به خط نستعلیق است و بر اساس آن، «اسحق‌بیگ یزدی المخاطب حقیقت‌خان بانی این کاروان‌سرا گشت» و کاتب کتیبه آن «محمد امین المشهدی» بود (حکمت، ۱۳۳۷: ۱۶). اگر کتیبه‌های عمارت‌های دوره اسلامی هند به دقت بررسی شوند، نام و نسب و پیشه بسیاری از صنعت‌گران ایرانی، که به هند رفته‌اند، روشن خواهد شد.

مروری بر مساجد جامع دهلی

تا پیش از روزگار اسکندر لودی (حک ۸۹۴-۹۲۳ق/۱۴۸۹-۱۵۱۷م)، دومین فرمانروای سلسله لودی، دهلی^۵ پایتخت هندوستان بود. لودی، اگر را برای پایتختی برگزید (ناشناس، ۱۳۴۸: ۳۰۴).

مسجد جهان نما (جامع دهلی) ویژگی‌های معماری معمارانه مسجد

در چهار ضلع بیرونی مسجد بازارهایی است که اساس آن‌ها هم‌زمان با بنای مسجد است. در ضلع جنوبی مسجد، دارالشفا و در ضلع شمالی آن مدرسه‌ای بود^۱. این مسجد با الهام از معماری قدیمی هند و به شکل صحن دار بنا شد (Grover, 1996, 170). (تصویر شماره ۱) مسجد صحن وسیعی دارد؛ حدود ۶۷ درصد از کل مساحت مسجد به صحن اختصاص یافته است که وسیع‌تر از صحن مساجد ایران است (پورجعفر، ۱۳۸۱: ۸۵).

در میانه هر ضلع، ایوان بلندی است که آن را به طرح چهار ایوانی شبیه کرده است. رواقی پیرامون آن صحن گشته و درون و بیرون مسجد را به هم پیوسته است. مسجد، چهار برج گنبددار در گوشه‌ها دارد.

مسجد سه سردر رفیع در ضلع شمالی و شرقی و جنوبی دارد. این سردرها به واسطه پلکان‌های شکوهمندی به معابر پیرامون راه می‌یابند. دروازه شمالی به نام «باب عبدالغفور» و دروازه جنوبی قرینه یکدیگرند و محل تردد عوام بوده است. دروازه جنوبی ۳۳ پله و دروازه شمالی ۳۵ پله دارد. دروازه شرقی، روبه‌روی لال قلعه (قلعه سرخ) قرار دارد (تصویر شماره ۲) و رفیع‌تر از سردرهای دیگر است و ۳۹ پله دارد. این سردر محل ورود خانواده سلطنتی بوده است (Sharma, 2005, 62-63). تاق‌های اصلی سردرهای سه‌گانه به شیوه تاق‌های جناغی ایرانی است؛ تاق‌های سردر شمال و جنوبی آهنگ است و زیر تاق سردر شرقی را به طرز مقرنس تراشیده‌اند. در طرفین تاق اصلی، غرفه‌هایی تعبیه شده است که به تاق‌هایی در پس آن‌ها راه دارد. تاق (چفته/قوس) این غرفه‌ها کنگره‌ای شکل است.

سردرهای مسجد تزئین‌های کمی دارند؛ شامل: نقش‌های سجاده‌ای روی بدنه‌ها و کنگره‌هایی به شکل سجاده در سطوح فوقانی و رواقی بر لبه بام که گنبد‌های کوچک از سنگ سفید بر فراز آن و میل‌هایی مانند گلدسته در کنج‌های بام قرار گرفته است. سردر شرقی، در کهنه‌ای با روکشی از فلز دارد؛ روی سطوح در را با نقوشی مانند تریخ و گل‌میخ‌هایی به شکل گل نیلوفر زینت کرده‌اند. شبستان و مقصوره مسجد در جانب غربی صحن (جهت قبله) «مشمول بر سه گنبد عالی اساس به طول نود و عرض سی و دو ذراع از سنگ سرخ به کرمک و مرمر صفا و پرچین سنگ سیاه» است (کنبو، ۱۹۷۲، ج ۳: ۴۱). (تصویر شماره ۳) طرح مساجدی با سه گنبد در این دوره رایج شد. این شیوه پیش‌تر در مسجد روضه ممتازالزمانی (تاج محل) در آگرا^{۱۱} و مسجد اکبرآباد^{۱۲} و پس از آن در مسجد شاهی لاهور (تاریخ بنا ۱۰۸۰ ق) به اجرا در آمد.

بر فراز شبستان، سه گنبد «امرودی» شکل قرار دارد. گنبد امرودی، دو پوسته دارد و پیشینه این گنبد‌ها را در بناهای کهن‌تر هند (دوره اسلامی) باید جست (جغتایی، ۱۳۵۲). گنبد میانی، بلندتر و بزرگ‌تر از گنبد‌های طرفین است. هر سه گنبد از مرمر سفید و نوارهای عمودی از سنگ سیاه ساخته شده است. بالای گنبد‌ها را به شکل تاج و غنچه برگشته گل نیلوفر چتری در

آورده‌اند (Sharma, 2005: 270). بر فراز گنبد‌ها قطعه‌ای فلزی متشکل از چند گوی و لوله قرار دارد که در هند به آن «کلس» (دهخدا، ذیل «کلس») و در ایران به آن «توغ» می‌گویند که واژه‌ای ترکی است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «توغ»).

مقصوره (گنبدخانه) متشکل از چهار تاق عظیم کنگره‌ای از سنگ سرخ است؛ جانب غربی به محراب محدود و جانب شرقی به صحن باز می‌شود و جانب شمالی و جنوبی به شبستان راه می‌یابد (تصویر شماره ۴).

کنبو به محراب‌های هفت‌گانه مسجد اشاره کرده است (کنبو، ۱۹۷۲، ج ۳: ۴۲). محراب اصلی از سنگ سفید و با طرح نیم هشت است. منبر کوتاه با چهار پله از سنگ سپید حجاری شده در سمت چپ محراب قرار دارد. دیگر محراب‌ها به همین شیوه و در چشمه‌های شبستان جای گرفته‌اند.

شبستان مستطیلی به طول ۶۱ متر و عرض ۲۷/۵ متر است. کف شبستان با ۸۹۹ طرح جای نماز به ابعاد ۰/۹ متر و عرض ۰/۵ متر از سنگ سیاه و مرمر سفید پرچین‌کاری (معرق‌کاری با سنگ) شده است (Sharma, 2005, 62). (تصویر شماره ۵) زُح‌بام شبستان با کنگره‌هایی از سنگ سرخ و با طرح جای‌نماز تزئین شده است. نمای شبستان در امتداد ضلع غربی صحن نیست و به سمت مرکز صحن پیش آمده است. شبستان بر روی سکویی به ارتفاع بلندتر از یک متر از کف صحن بنا شده است. نمای شبستان متشکل از ایوان بلند قوس‌داری در میانه و پنج ایوانچه در هر طرف است. همه قوس‌های نمای شبستان کنگره‌ای شکل هستند. در طرفین ایوان شبستان دو مناره باریک‌تر از مناره‌های اصلی ساخته‌اند که اندکی از ایوان بلندتر است. بر فراز آن‌ها مأذنه‌های کوچکی است که صرفاً کارکرد تزئینی دارد. آستانه این ایوان، روی پله‌ها دکان کوچکی به قامت یک‌مرد، نشسته بر چهار ستون زیبا و ظریف از سنگ سپید قرار دارد که براساس کتیبه‌اش، جای مُکَبّر بوده و بانی‌اش شانع‌علی خان بوده است. بر لبه بام این دکان، محجر مشبک کوتاهی از سنگ قرار دارد.

در دو گوشه شبستان، دو مناره بلند ایستاده است. (تصویر شماره ۳) این مناره‌ها از حیث معماری و تناسب به مناره‌های تاج محل شبیه‌اند. تفاوت آن‌ها در این است که مناره‌های تاج‌محل به صورت منفرد در چهار گوشه صفا مستقر گشته و مناره‌های جامع جهان‌نما به بدنه شبستان چسبیده‌اند. در چهار گوشه صحن، چهار برج گنبددار مستقر کرده و در مرکز صحن حوض «کوثرسرت» بزرگی نهاده‌اند. در چهار گوشه آن چهار میل مرمرین برپاست.

در گوشه شمال غربی صحن، فضای کوچک مستطیلی ساخته شده و کتیبه‌ای دارد که مضمونش چرایی ساختن این فضا و پدیدار شدن پیامبر در رؤیای تحسین‌خان است (Sharma, 2005, 63). در دامنه مسجد مقبره سردمد کاشی قرار دارد. سردمد کاشی در عهد اورنگ‌زیب به جرم ارتداد کشته شد. آثاری نیز در این مسجد نگهداری می‌شود، از جمله جعبه مویی از حضرت محمد (ص) و چند جزء قرآن منسوب به خط حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع). قرآن‌ها

در متن کتیبه آیاتی از سوره توبه، نجم و یونس آمده است. نثر کتیبه شبیه به سبک دوره صفویه است؛ پُر تکلف و مملو از خیال‌پردازی و تشبیهات اغراق‌آمیز. از بسیاری از این تشبیه‌ها - مثلاً «این مسجد کوه‌اساسِ گردون‌مُماس» - مطلب دقیقی درباره مسجد به دست نمی‌آید. متن کتیبه مانند بنای مسجد وسیع و متکلف و پرپیرایه است.

مسجد کتیبه‌های دیگری هم دارد. کتیبه‌ای در رأس محراب که متن آن آیه ۱۰۸ سوره توبه است. در لچکی‌های محراب ذکر «یا غفار» در قالب دایره‌ای تحریر شده است. هر دایره از تکرار هشت بار ذکر «یا غفار» حاصل شده و در لچکی‌های ایوان شبستان ذکر «یا هادی» به شکل مستدیر از تکرار هشت «یا هادی» پدید آمده است. این کتیبه‌ها نیز به خط ثلث و با سنگ سیاه بر زمینه سنگ سفید حجاری شده است. علاوه بر کتیبه‌های گفته شده بر روی دیوار مدخل جنوبی، لوحی آویخته است که بر آن نام ۱۳ نفر از امامان جامع مسجد دهلی نوشته شده است. این لوح به تاریخ ۱۵ رجب ۱۴۲۱ ق. کتابت شده است.^{۱۶}

جستاری در زمینه‌های پیدایش و تأثیر مساجد ایرانی بر آن

مسجد جامع دهلی یا مسجد جهان‌نما،^{۱۷} بزرگ‌ترین مسجد شبه قاره و از مهم‌ترین مساجد تاریخی جهان اسلام است که بر پشته‌ای «کوهچه‌ای» مشرف بر شهر شاه‌جهان‌آباد معروف - که امروز به دهلی کهنه شهرت دارد - در زمان سلطنت ابوالمظفر شهاب‌الدین محمد شاه‌جهان بن جهانگیر ساخته شده است (پیشین: ۳۵)^{۱۸} (تصویر شماره ۷). او علاقه داشت احیاگر اسلام شناخته شود. وی بیش از حاکمان بآبری پیش از خود مسجد ساخت (Koch, 1991: 117).

بنا بر نظر محمدصالح کنبو اگرچه دارالخلافه‌ی شاه‌جهان‌آباد مساجد نیگوی فراوان و بقاع خیر بی‌کران داشت، هیچ یک در خور رفعت و شأن و علو مکان عمارات عالیه این شهر نبود لذا رأی شاه جهان بر ساختن «مسجدی عالی‌بنیان و رفیع‌العماد» قرار گرفت (کنبو، ۱۹۷۲، ج ۳: ۴۱). بر اساس کتیبه مسجد بنای آن «در روز جمعه دهم شهر شوال سال هزار و شصت هجری، موافق سال چهارم از دور سیوم جلوس» به دست مهندسان و معماران «در حضور علامی سعدالله‌خان و فاضل‌خان خان‌سامان بر کوهچه‌ی جانب غرب سمت [لعل] قلعه» آغاز و ساختمان آن در شش‌سال به انجام رسید و مبلغ ده لک^{۱۹} روپیه هزینه برداشت و مقارن یوم عید فطر افتتاح شد (پیشین: ۴۱). بنا به گفته کنبو با وجود نظارت و اهتمام سعدالله‌خان وزیر کل هندوستان^{۲۰} و خلیل‌خان هر روزه پنج هزار نفر اعم از بنا، سنگ‌تراش، پرچین‌کار، منبت‌کار، نقاش، حکاک، بیل‌دار، و عمله از دارالخلافه و اطراف و اکناف در بنای این مسجد اشتغال داشتند (پیشین: ۴۱ و جوادالدوله، ۱۹۰۴، ج ۳: ۷).

چنین مسجد عظیمی در حالی بنا شد که در دهلی چند مسجد جامع دیگر وجود داشت. به استناد منابع و مدارک همان دوره مانند گزارش کنبو، سبب بناشدن مسجد آن بود که شهر نوپید شاه‌جهان‌آباد مسجدی درخور شأنش نداشت. پیش از بنای شاه‌جهان‌آباد و جامع آن صفویان در ایران، ساختن شهرهای جدید را در کنار پایتختی کهن

به خط کوفی و متعلق به سده سوم هجری است (حکمت، ۱۳۷۹، ج ۲: ۴۷۷). این‌ها پیش‌کش‌هایی است که به مناسبت بنای مسجد به شاه‌جهان هدیه شده است (Sahai, 2004, 147).

مسجد جامع دهلی عمدتاً از سنگ سرخ است، البته در بنای آن مرمر نیز به کار رفته و به‌ندرت از سنگ سیاه استفاده شده است. صحن مسجد با سنگ سرخ فرش شده و کف شبستان و رواق‌های طرفین از سنگ سپید صیقلی است و طرح‌های سجاده‌ای بر آن معرق‌کاری (پرچین‌کاری) شده است.

در عمل صالح، آثار صنادید و کتیبه مسجد نامی از معمار مسجد به میان نیامده است؛ اما در نسخه‌های خطی^{۲۱} در موزه بریتانیا - هم‌زمان با شاه‌جهان - از دو معمار به نام‌های استاد احمد و استاد حمید یاد شده که به امر شاه‌جهان «لال قلعه» و مسجد جامع دهلی را بنا کردند (جغتایی، ۱۳۵۴: ۵۰). کنبو از استاد احمد به عنوان سرآمد معماران نادره کار یاد کرده، اما از رابطه او و طرح مسجد جامع چیزی نگفته است (کنبو، ۱۹۷۲، ج ۳: ۲۱). شارما، از شخص دیگری با نام استاد «خلیل» یاد می‌کند و او را معمار و طراح مسجد معرفی می‌نماید (Sharma, 2005: 62). از هویت و زندگی این شخص اطلاعی نداریم.

نقش کتیبه‌های مسجد در بازخوانی تاریخ بنای آن

تاریخ حضور نخستین کتیبه‌های اسلامی در هند به فتوحات غزنویان در شمال غربی هند بازمی‌گردد. کهن‌ترین آن‌ها کتیبه‌ای عربی به خط کوفی و به تاریخ ۴۸۲ ق. است. اما دو کتیبه از سده هفتم و هشتم هجری در هند موجود است که می‌توان آن‌ها را کهنه‌ترین کتیبه‌های فارسی این دیار محسوب کرد (حکمت، ۱۳۳۷: ۱۰-۱۲). از این پس کتیبه بیش‌تر عمارت‌های هند به فارسی نوشته شد. بلندترین کتیبه مسجد جامع دهلی، که می‌توان آن را کتیبه اصلی نامید مانند کتیبه اغلب کاخ‌ها و مساجد بآبری هند، به فارسی است^{۲۲}. این کتیبه به خط ثلث و از سنگ سیاه بر زمینه سفید، در ده قاب مستطیل بر پیشانی نمای شبستان در طرفین ایوان معرق‌کاری شده است. هر قاب شامل هشت سطر و مجموعاً هشتاد سطر است. کتیبه از سنگ سیاه بر زمینه سفید پرچین‌کاری (نقر) شده است. زبان آن فارسی و موضوعش شرح ساخت مسجد و کاتب آن نورالله احمد است^{۲۳}.

موضوع و مواد اصلی این کتیبه چنین است:

- ۱) وصف بانی: هشت سطر نخست کتیبه تماماً وصف و مدح مبالغه‌آمیز شاه‌جهان است (تصویر شماره ۶)،
- ۲) وصف مسجد: وصف اجزا و عناصر مسجد و تشبیه و تعبیر آن به ارکان و عناصر طبیعت بیش‌ترین سطح کتیبه را اشغال کرده است؛ اوصافی از این قبیل: «قته فلک‌شأنش از طبقات آسمان گذشته و شرفه طاق سپهرنشانش به اوج کیوان پیوسته»، «فروغ شمس پیش طاق جهان‌نمایش روشنی‌بخش مصابیح سموات»،
- ۳) تاریخ بنای مسجد: در این کتیبه اطلاعاتی از این قبیل آمده است: سال ساخت، مدت ساخت، روز گشایش و هزینه ساخت،
- ۴) دعا برای پایداری مسجد و دولت پادشاه،
- ۵) نام کاتب.

تجربه کرده بودند. آنان در قزوین و اصفهان مساجد کبیری برپا کردند که به «مسجد شاه» شهرت داشت.

پس از قزوین، اصفهان به عنوان پایتخت برگزیده شد. این شهر در زمان زمام‌داری شاه‌عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ ق/ ۱۵۸۷-۱۶۲۹م) شاهد توسعه و تحوّل چشم‌گیر بود. با این‌که شهر قدیم اصفهان، میدان و مسجد جامع کهنه‌ای داشت شاه‌عباس بخش‌هایی جدیدی در کنار اصفهان کهن پی افکند. هسته مرکزی اصفهان جدید میدان وسیع نقش جهان بود. در اوایل سال ۱۰۲۵ ق. شاه‌عباس «در حوالی نقش جهان اصفهان به بنای مسجد عالی بنیان» همت گمارد «که در بلاد ایران بل معموره جهان مثل آن نشاط نتواند داد». در دارالسلطنه اصفهان «عمارت عالیّه و منازل مرغوبه دلگشا و باغات عنبرشمیم روح‌افزا و انهار و بساتین نمونه خلد برین» بسیار بوده و «مسجد عالی و مدرسه در جانب شرقی و شمالی میدان نقش جهان ترتیب داده بودند اما آن‌ها در برابر همت بلند آن حضرت پست می‌نمود» از این رو شاه‌عباس معماران حاذق و مهندسان مدقق را فرمود «طرح مسجد و مقصوره انداخته استادان نادره کار به مبارکی و اقبال شروع در کار کردند»^{۲۱} (ترکمان، ۱۳۸۷: ۸۳۱).

پیش از اصفهان، مسجد شاه قزوین در دوره حکومت شاه تهماسب (۸۹۲-۹۵۵ ق/ ۱۵۱۴-۱۵۷۶م) ساخته شد. این در حالی بود که قزوین جامعی کهن داشت. شاه اسماعیل مسجد شاه قزوین را پی افکند و شاه تهماسب آن را به اتمام رسانید (شاردن، ۱۳۵۰: ۳۵ و ۳۶). به نظر می‌رسد احداث شهر جدید شاه‌جهان‌آباد در نزدیکی دهلی و بنای مسجد جامع جهان‌نما متأثر از تجارب قزوین و اصفهان بوده باشد. روابط فرهنگی ایران و هند و مهاجرت هنرمندان و صنعت‌گران و در مواردی دولت‌مردان به اقامه و اثبات این فرضیه کمک می‌کند.

با بررسی آثار معماری هند در این دوره می‌توان به این نتیجه رسید که معماران و دست‌یاران آن‌ها در هند متأثر از الگوهای معماری و ساختمانی ایران بوده‌اند. به‌طور مثال کتیبه‌ها، خطوط، زبان و فحوای آنها مؤید این امر است. از این‌ها که بگذریم التزام آن‌ها به ساختن گنبد، مناره و گلدسته و حوض در مسجد نشان از این تأثیر دارد.

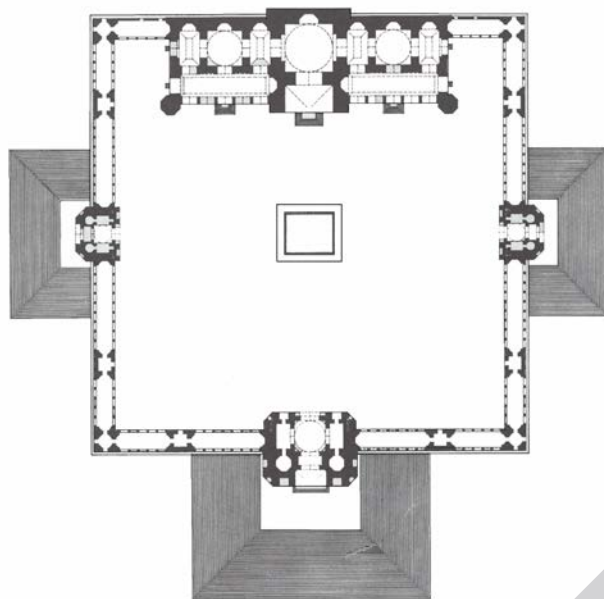
مسجد جامع جهان‌نما بر طرح چهار ایوانی بنا شد. این طرح از ایران نشأت گرفته و مسجد جامع عباسی اصفهان نمونه برجسته مسجد چهار ایوانی است. جامع جهان‌نما دو مناره طرفین گنبد دارد. این عناصر نیز متأثر از مساجد ایرانی است. در میانه صحن مسجد جامع جهان‌نما حوض «کوثر سرشت» بزرگی قرار دارد. ایجاد حوض در صحن مساجد ایرانی از ویژگی‌های بارز مسجدهای در دوره صفوی است و پس از این دوره حوض جزو عناصر ثابت مساجد ایرانی شد. مسجد جامع عباسی، مسجد شیخ لطف‌الله از نمونه‌های مشهورند.^{۲۲}

مثال دیگری که تقیید معمار یا معماران جامع جهان‌نما به طرح و شیوه مساجد ایرانی را نشان می‌دهد، تاق ایوان‌های این مسجد است؛ زیر تاق ایوان‌های مسجد به شکل کاربندی ایوان مساجد ایرانی است. کاربندی زیر تاق ایوان مساجد ایران

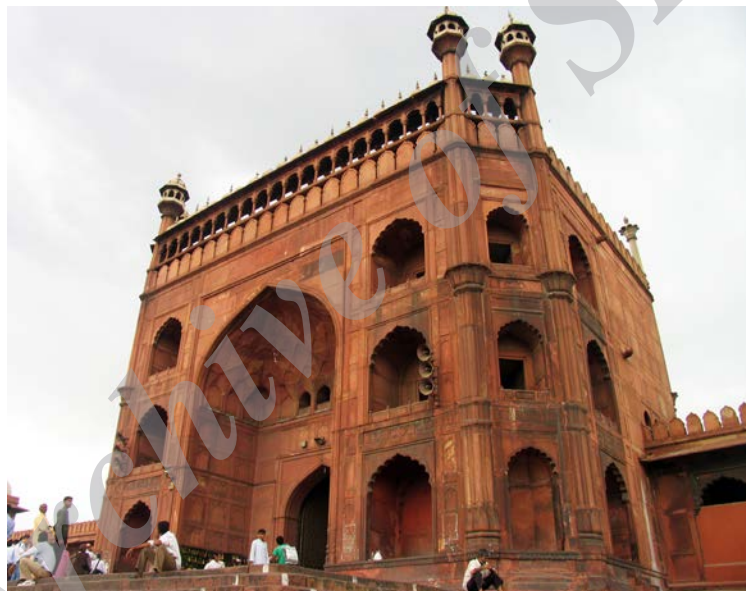
با تاق‌ها و تویزه‌هایی - که گاه تزیینی‌اند - ساخته می‌شود. با آن‌که ایوان‌های مسجد جامع جهان‌نما از قطعات سنگ است معمار مسجد با تراشیدن سنگ، صورت کاربندی زیر تاق پدید آورده است. نکته قابل تأمل این است که به جرأت می‌توان گفت که معماران و بنایان و حجاران هندی در این دوره از شیوه‌های معماری و ساختمانی ایران متأثر بوده و مقیّد به رعایت آن بوده‌اند. با این حال معماری این دوره از هند لحن و طعم خاص خود را دارد. این نکته را در متن کتیبه جامع جهان‌نما می‌توان دریافت؛ اصطلاحات معماری «کلس» به معنی گنبد‌های تزیینی لبه‌بام و «قمه» به معنی گنبد خاص هندوستان است.

نتیجه‌گیری

مسجد جامع جهان‌نما پس از احداث شهر جدید شاه‌جهان‌آباد برپا شد. پیش از این دهلی سه مسجد جامع دیگر داشته است، اما شاه‌جهان‌آباد را در خورشان شهر جدید نیافت. از این رو به بنای این مسجد همت گماشت. به نظر می‌رسد شاه‌جهان‌آباد در اقدامات عمرانی‌اش کارهای صفویان را در نظر داشته و در رقابتی پنهان با آنان الگوی توسعه شهر و معماری را به اجرا درآورده است، زیرا پیش از او پادشاهان صفوی در ایران با وجود مساجد جامع در قزوین و اصفهان، مساجد جامع جدیدی بنیاد نهدند که با توسعه جدید شهرها ارتباط داشت. این موضوع را می‌توان در کارهای دیگر شاه‌جهان‌آباد پی گرفت تا صحت و سقم این نظر نمایان شود. معماران و بنایان و حجاران هندی در این دوره از شیوه‌های معماری و ساختمانی در ایران متأثر بوده‌اند و آن‌ها را اجرا می‌کردند. چنان‌که گفته شد وجود گنبدی بر فراز مقصوره، طرح چهارایوانی، کتیبه‌های متعدّد و کتیبه‌ای بلند بر رُخ شبستان، وجود جفت منار متقارن، حوضی در میانه صحن و تقلید از آرایه‌های معماری ایرانی مانند کاربندی همگی نشان از تأثیرپذیری مسجد جامع جهان‌نما از مساجد ایرانی دارد. با این حال معماری این دوره هند لحن و طعم خاص خود را حفظ کرده است. این لحن و طعم در دیگر مساجد در شبه قاره مشهود است. در این دوره، کتیبه‌های مهم مساجد ایران و جهان اسلام را به عربی می‌نوشتند اما، بلندترین کتیبه مسجد جامع جهان‌نما به فارسی است. این موضوع به حضور پرننگ و مؤثر زبان و ادب فارسی در هند گواهی می‌کند. با این حال در متن کتیبه جامع جهان‌نما اصطلاحات معمارانه هندی وجود دارد که نشان می‌دهد معماری این دوره در هند با وجود تأثیر مستقیم از ایران خصلت‌های مختص به خود را دارد. بررسی مواردی از این دست به معرفی ابعاد وسیعی از پیوند تنگاتنگ فرهنگ و تمدن ایران و هند می‌تواند بینجامد.



تصویر شماره ۱. پلان مسجد جامع دهلی. مأخذ: کُخ ۱۳۷۳، ۱۱۹.

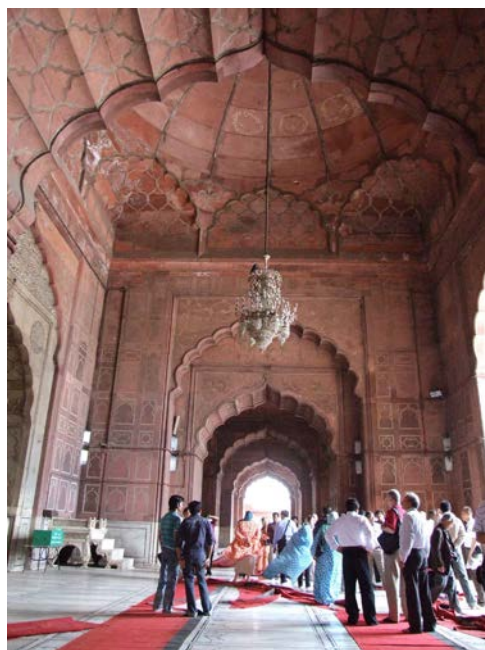


تصویر شماره ۲. دروازه شرقی جامع دهلی، رو به لعل قلعه. مأخذ: نگارندگان

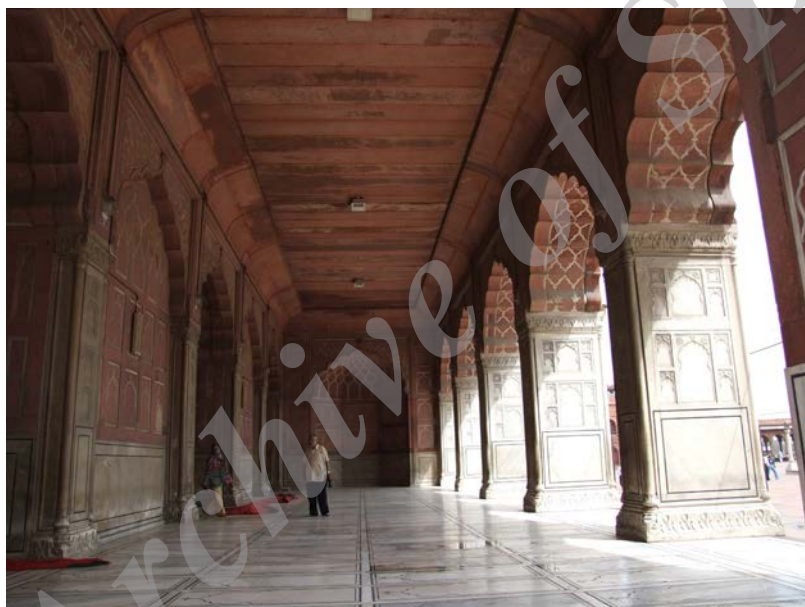


تصویر شماره ۳. چشم انداز قبله مسجد جهان نما در داخل صحن. مأخذ: نگارندگان





تصویر شماره ۴. گنبدخانه میانی مسجد جهان نما. مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۵. شبستان شرقی کنار ایوان قبله مسجد جامع جهان نما. مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۴. یکی از قاب‌های ده‌گانه کتیبه مسجد جامع دهلی به روش پرچین کاری (معرق سنگ) که نام شاه جهان در آن نوشته شده است. مأخذ: نگارندگان





تصویر شماره ۷. موقعیت مسجد جامع در کنار دهلی کهنه. مأخذ: نگارندگان

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله حاصل بازدید میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای نگارندگان است.
۲. از سویی دیگر چون بلاد عثمانی وضعی بهتر از ایران نداشت و جفایی که به اهل تشیع روا می‌داشتند، ایرانیان را نه میل و نه زهره رفتن به آن جا ماند.
۳. مرحوم بهار در سبک‌شناسی می‌نویسد: حمایت پادشاهان مغولیه هند از فارسی سبب طلوع فضایی در آسمان ادب شد که پیش از ایرانیان در صدد اصلاح فارسی برآمدند. در این دوره است که ادبای هند فرهنگ‌های لغات فارسی را می‌نویسند. سرآمد آن‌ها شیخ ابوالفضل دکنی مؤلف اکبرنامه و آئین اکبری است. نک: بهار، سبک‌شناسی، ج ۳، ص ۲۸۹-۲۹۰.
۴. غلامرضا طباطبایی مجد در مقدمه اکبرنامه، دلایل عمده هجرت شاعران ایران به شبه قاره را برشمرده است: بی‌توجهی شاهان صفوی به شعر و شاعری، خروج شاه اسماعیل اول، سخت‌گیری‌های مذهبی شاه طهماسب اول، فتنه‌های پیاپی ازبکان، هجوم مکرر سربازان روم، درویشی و قلندری، دعوت شاهان هند از این علما و هنروران، گریز از تهمت مذهبی، قلع و قمع سران طوایفی که اینان بدان وابسته بودند در عهد شاه عباس اول، پیوستن به آشنایان و بستگانی که در آن سامان مقام و منصبی داشتند، سفارت، تجارت، سیاحت، عیاشی و خوشگذرانی، پیدا کردن کار، راه یافتن به دربار و علاوه بر این‌ها حسن استقبال مردم هند از اینان، به‌ویژه آنان که با ایرانیان اتحاد مذهب و اشتراک زبان داشتند. نک: ابوالفضل مبارک، اکبرنامه تاریخ گورکانیان هند، مقدمه، ص ۱۵.
۵. امیر خسرو دهلوی، «حضرت دهلی» را در مثنوی قران‌السعدین این گونه وصف کرده است: حضرت دهلی کنف دین و داد/ جنت عدن است که آباد باد// هست چو ذات ارم اندر صفات/ حرسها الله عن
۶. به نظر حکمت قبة الاسلام صحیح است.
۷. مسجد جامع که ز فیض اله/ زمزمه خطبه او تا به ماه// بر سر نه تخت گرفته شهی/ منبرش از خطبة بیت‌اللهی// آمده دردی ز سپهر کبود/ فیض ز یک خواندن قرآن رود// غلغل تسبیح به گنبد درون/ رفته ز نه گنبد بالا برون// گنبد او سلسله پیوند راز/ سلسله چون کعبه شده حلقه‌ساز [...] (دهلوی، ۱۹۷۲: ۵۳-۵۵)
۸. شکل مناره چو ستونی ز سنگ/ از پی سقف فلک شیشه‌رنگ؛ سقف سما کز کهنی شد نگون/ در ته آن داشته سنگ ستون؛ تا سرش از اوج به گردون شتافت/ گنبد بی سنگ فلک سنگ یافت// آن که ز زر بر سرش افسر شدست/ سنگ ز نزدیکی خور، زر شدست؛ سنگ وی از بس که به خورشید سود/ روز ز خورشید عیاری نمود. [...] از پی برفتن هر آسمان/ کرد زمین تا به فلک نردبان؛ گرد سرش کرد مؤذن چو گشت/ قامتش از مسجد عیسی گذشت؛ مؤذن از آن جای که قامت کشید/ قامت مؤذن نتواند رسید؛ مسجد جامع ز درون چون بهشت/ حوض ز بیرون شده کوثر سرشت (دهلوی، ۱۹۷۲: ۵۵-۵۶).
۹. وی مسجد مذکور را این گونه وصف کرده است: مسجد وسیعی است که آن را از سنگ‌های خوش‌تراش ساخته‌اند. سنگ‌ها را با قلع به هم متصل کرده و چوب در ساختمان آن به کار نرفته است. این مسجد سیزده گنبد سنگی و چهار صحن دارد، منبرش از سنگ است. در میان یکی از صحن‌ها ستون بزرگی قرار دارد که معلوم

مسجد اورنگ زیب پادشاه است. [...] از قلعه شاه جهان به فاصله هزار گز به سمت مغرب واقع است. دو دروازه بزرگ دارد که از زمین ۲۵ زینه [پله] بلند است. و صحن آن هم از زمین ۲۵ زینه بلندی دارد. دیوارها و گلدسته‌ها و صحن و حیاط آن به نظر می‌آید که از یک دانه سنگ قرمز ساخته شده باشند و ابتدا درز آن سنگ‌ها معلوم نمی‌شود و تاکنون هیچ محتاج به تعمیر نشده است و تا پنج صد سال دیگر هم نخواهد شد. عبدالرئوف، تحف اهل بخارا، ص ۳۲۱-۳۲۲.

۱۹. لک: واحد شمار. هر لک معادل یک صد هزار است. نک: مصاحب، دایرةالمعارف فارسی، ذیل مدخل‌های «لک» و «کرور».

۲۰. علامه سعدالله‌خان از امرا و دانشوران و سخنوران هند بود که در سال چهاردهم پادشاهی شاه جهان به مرتبه وزارت کل هندوستان رسیده و در سال هزار و شصت و هفت هجری وفات کرد. کنبو، عمل صالح، ج ۳: ص ۲۹۷.

۲۱. «تاریخ خجسته بنا خواستم زدل/ از شوق گفت {کعبه ثانی بنا شده}». ترکمان، ۱۳۸۷، ۸۳۱.

۲۲. امروزه حوضی در محوطه روبروی مسجد شیخ لطف‌اله دیده نمی‌شود. اما در اصل روبه‌روی ورودی این مسجد حوضی بوده است که اکنون زیر پوشش کف مخفی است. درعکس‌های اواخر قاجار و اوایل سده حاضر این حوض دیده می‌شود.

فهرست منابع و مراجع

۱. ابن بطوطه (۱۳۶۱)، **سفرنامه ابن بطوطه**، ج ۲، ترجمه محمدعلی موحد، علمی و فرهنگی، تهران.
۲. ابوالفضل مبارک (۱۳۸۵)، **اکبرنامه تاریخ گورکانیان هند**، تصحیح غلام‌رضا طباطبایی مجد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
۳. بهار، محمدتقی (۱۳۸۶)، **سیک‌شناسی**، ج ۳، امیرکبیر، تهران.
۴. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۱)، «توجه به معیارهای طراحی شهری و معماری در مساجد قدیمی (مورد مطالعه مسجد جامع دهلی)»، **مدرس هنر**، شماره اول، پاییز، ص ۷۵-۹۰.
۵. ترکمان، اسکندر بیک (۱۳۸۷)، **تاریخ عالم آرای عباسی**، به اهتمام و تنظیم ایرج افشار، کتاب دوم، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۶. جغتایی، محمد عبدالله (۱۳۵۲)، «تاج محل»، **هنر و مردم**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ش ۱۲۷، اردیبهشت ۱۳۵۲، صص ۳۹ تا ۵۶.
۷. جغتایی، محمد عبدالله (۱۳۵۴)، «خط نستعلیق در پاکستان و هند (سرچشمه هنری که از ایران جاری شد و در شبه‌قاره گسترش یافت)»، **هنر و مردم**، ترجمه محمدجعفر جوان، ش ۱۵۱، اردیبهشت، صص ۲۹-۳۷.
۸. جنابدی، میرزابیگ (۱۳۷۸)، **روضه‌الصفویه**، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران.
۹. جوادالدوله، سیداحمدخان (۱۹۰۴)، **آثار صنادید**، ج ۴، چاپ سنگی، کان پورمی.
۱۰. حکمت، علی‌اصغر (۱۳۷۹)، **ره‌آورد حکمت**، ج ۲، به اهتمام دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
۱۱. حکمت، علی‌اصغر (۱۳۳۷)، **نقش پارسی بر احجار هند**، فهرستی از کتیبه‌ها و خطوط فارسی بر لوح سنگ‌های هندوستان، کتابفروشی ابن سینا، تهران.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، **لغت‌نامه دهخدا**، دانشگاه تهران، تهران.
۱۳. دهلوی، امیرخسرو (۱۹۷۲)، **قران‌السعدین**، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد.

نیست از چه معدنی است. «یکی از حکمای هند به من گفت که آن {هفت جوش} می‌نامند». به گفته ابن بطوطه در نزدیکی در شرقی مسجد، دو بت بزرگ مسی به خاک انداخته بودند تا هر که بخواهد به مسجد درآید از مسجد بیرون رود بر آن‌ها پای بگذارد. این بت‌ها یادگار دوره‌ای است که این جا معبد بوده است. وی از مناره بلندی در صحن شمالی مسجد یاد می‌کند که وسعت مدخلش به حدی بود که فیل‌ها می‌توانستند از آن بالا روند. (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ج ۲؛ ۴۲-۴۴).

۱۰. «در هر ضلع چهارگانه بیرون مسجد چوکی است نوآیین و حجره‌های دلنشین». کنبو، ۱۹۷۲، ج ۳: ۴۳. چوک در لغت هندی به معنی بازار است.

۱۱. «غربی روضه، مسجدی است سه چشمه از سنگ سرخ به طول هفتاد و عرض سی گز مشتمل بر سه گنبد که آن هر سه از درون از سنگ سرخ و از بیرون از سنگ مرمر است». پیشین، ج ۲: ۳۱۷.

۱۲. «دولت‌خانه مستقر الخلافت اکبرآباد [...] مشتمل است بر سه گنبد - هر گنبدی به قطر نه ذراع». پیشین، ج ۳: ۱۳۳.

۱۳. به گمان مؤلف مدخل «تاج محل» در دانشنامه جهان اسلام، نسخه خطی موجود در موزه بریتانیا چهار سخن است. نک: رودگر، «تاج محل»، ص ۵۹.

۱۴. متن این کتیبه، نخست در کتاب آثار صنادید - به اردو - منتشر شده است. مرحوم علی‌اصغر خان حکمت نیز آن را خوانده و در کتاب نقش پارسی بر احجار هند انتشار داده است. نگارندگان متن کتیبه را با توضیحات و تعلیقات در گلستان هنر (شماره ۱۶) منتشر کرده‌اند.

۱۵. مسجد پادشاهی لاهور با طرحی شبیه به این مسجد در ۱۰۸۴ ق. بنا شد. بر پیشانی شبستان این مسجد قاب‌هایی شبیه به جامع دهلی منظور شده، اما فاقد نوشته است. بر پیشانی مدخل این مسجد کتیبه کوتاهی با این مضمون موجود است: «لا اله الا الله/ مسجد ابوالمظفر محی‌الدین محمد عالم‌گیر پادشاه غازی ... سنه هزار و هشتاد و چهار هجری اتمام یافت». متن از روی عکس قرائت شد. این عکس‌ها را دوست گرامی آقای سیدعمادالدین خضایی در اختیار گذاشتند.

۱۶. عبارات و اسماء این لوح: «بسم الله الرحمن الرحیم، اسماء قدس حضرات ائمه گرامی جامع مسجد دهلی، ۱- امام السلطان حضرت مولانا سیدعبدالعفور شاه بخاری، ۲- حضرت مولانا سیدعبدالشکور شاه بخاری، ۳- حضرت مولانا سیدعبدالرحیم شاه بخاری، ۴- حضرت مولانا سیدعبدالعفور شاه ثانی بخاری، ۵- حضرت مولانا سیدعبدالرحمن شاه بخاری، ۶- حضرت مولانا سیدعبدالکریم شاه بخاری، ۷- حضرت مولانا سیدمیر جیون شاه بخاری، ۸- حضرت مولانا سیدمیر احمدعلی شاه بخاری، ۹- حضرت مولانا سیدمحمدشاه بخاری، ۱۰- شمس‌العلماء هند حضرت مولانا سید احمد رحمه‌الله علیه، ۱۱- حضرت مولانا سید حمید مفسر قرآن و مصنف کتب‌های کثیر، ۱۲- مولانا سیدعبدالله بخاری مؤلف قطرات انوار، ۱۳- مولانا سیداحمد بخاری فرزند سلمه الله تعالی، دستاربندی مسندنشینی امامت، مورخه ۱۵ رجب‌المرجب سنه ۱۴۲۱ هـ مطابق ۱۴ اکتوبر سنه ۲۰۰۰ بروز شنبه شب مقام اندرون جامع مسجد دهلی».

۱۷. امروز این مسجد را «جامع مسجد دهلی» می‌خوانند.

۱۸. سراج‌الدین عبدالرئوف در سفرنامه‌اش ذیل «در شرح دهلی» مسجد اورنگ زیب را معرفی کرده که به نظر ما همان جامع جهان نما است. شرح وی این است: «از بناهای قدیمی و مشهور، یکی

۱۴. رودگر، قنبرعلی (۱۳۷۵)، «تاج محل»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۶، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، صص ۵۸-۶۴.
۱۵. سبجانی، توفیق (۱۳۸۴)، (۱۳۸۴)، «درباره ملخص یا شاه‌جهان‌نامه محمدطاهر «آشنا» معروف به عنایت‌خان»، *نامه انجمن*، ش ۱۷، بهار، صص ۱۰۹-۱۱۷.
۱۶. سلطانیان، ابوطالب (۱۳۸۳)، «غزنویان و شالوده‌های فرهنگ ایران در شبه قاره هند (۵۸۲ - ۳۵۱ ه.ق)»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)*، ش ۳۶ و ۳۷، بهار و تابستان، صص ۹۷-۱۱۰.
۱۷. شاردن (۱۳۵۰): *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، جلد سوم، دایره‌المعارف تمدن ایران.
۱۸. شاملو، داوودقلی بن داوودقلی (۱۳۷۱-۱۳۷۴)، *قصص الخاقانی*، ۲ج، به تصحیح دکتر سیدحسن سادات‌ناصری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران.
۱۹. عبدالرئوف، سراج‌الدین (۱۳۶۹)، *تحف اهل بخارا*، بوعلی، تهران.
۲۰. کنبو، محمدصالح (۱۹۷۲)، *عمل صالح الموسوم شاه‌جهان‌نامه*، ۳ج، ترتیب و و تحشیه دکتر غلام یزدانی، ترمیم و تصحیح دکتر وحید قریشی، زرین آرت پریس، لاهور.
۲۱. گردبیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود (۱۳۴۷)، *زین‌الآخبار*، به تصحیح عبدالحی حبیبی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۲۲. گلچین معانی، احمد (۱۳۷۷)، *کاروان هند*، ۲ج، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۲۳. مصاحب، غلامحسین (و)، (۱۳۸۰)، *دایره‌المعارف فارسی*، امیرکبیر، تهران.
۲۴. [ناشناس]، «باروی شاه‌جهان‌آباد در دهلی»، *وحید*، ترجمه حسین ساکت. ش ۶۴، فروردین ۱۳۴۸، صص ۳۰۴-۳۰۹.
۲۵. نظری، فرهاد، ذات‌الله نیک‌زاد. «کتابخانه مسجد جامع دهلی»، *گلستان هنر*، ش ۱۶، تابستان ۱۳۸۸، صص ۷۴-۷۸.
۲۶. وحید قزوینی، محمدطاهر (۱۳۲۹)، *عباس‌نامه*، به تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داوودی

27. Koch, Ebba (1991), **Mughal Architecture: An Outline of Its History and Development (1526-1858)**, Munich.
28. Grover, Satish (1996), **Islamic Architecture in India**, Golotia Publishing Company, New Delhi.
29. Martin, Garry (1978), "Indian subcontinent", in: Grube, Ernest j... **Architecture of the Islamic World**, London.
30. Muhammad Baqir (1952), **Lahore past and present**, Lahore.
31. Sahai, Supriya (2004), **Indian Architecture Islamic period**, Prakash Book India.
32. Sharma, Praduman, K. (2005), **Indo-Islamic Architecture (Delhi and Agra)**, Delhi.